



تحقیقی راجع به توزیع فضایی،

چگونگی استقرار

و نظام سلسله مراتب شهری در

سواحل جنوب ایران

از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۰ ه. ش

نویسنده : رحیم سرور (دانشجوی دکتری جغرافیا)

پیشگفتار

امروزه عدم تعادل‌های منطقه‌ای در فضای ملی لزوم مطالعه و بررسی در شبکه و نظام سلسله مراتب شهری را لازم و ضروری ساخته است تا از این رهگذر به عوامل مؤثر در مکان‌گزینی شهرها، الگوی پراکنش جمعیت شهرنشین و بالاخره به تعادل و عدم تعادلها در نظام سلسله مراتب شهری هر منطقه پی برد و سپس با شناخت وضع موجود به آرایه راه حل پرداخت.

هدف این مقاله بررسی چگونگی استقرار و توزیع فضایی جمعیت و نیز پی‌بردن به تعادلها و عدم تعادلها در نظام سلسله مراتب شهری سواحل جنوب ایران می‌باشد. نحوه آرایه مطالب بدین صورت است که ابتدا به معرفی موقعیت و خصوصیات طبیعی منطقه و بعد به بررسی مکان‌گزینی شهرها، تحولات جمعیت شهری، توزیع فضایی و الگوی پخشایش جمعیت شهرنشین و پس از آن به بررسی نظام سلسله مراتب شهری خواهیم پرداخت.

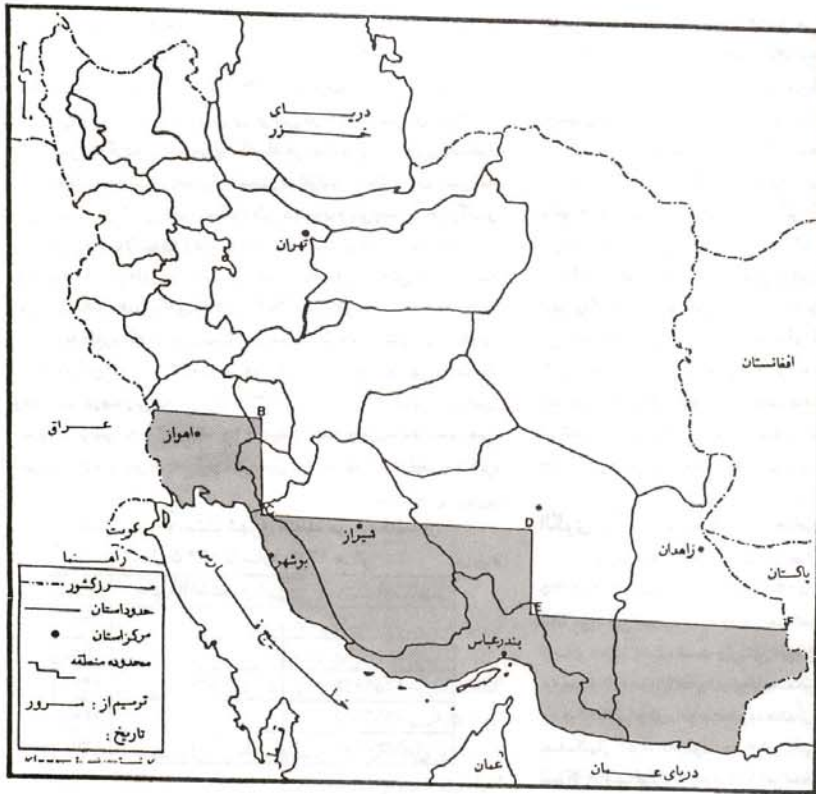
حدود و موقعیت منطقه مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این مقاله سرتاسر منطقه واقع شده در سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد که از بندر آبادان شروع و تا بندر چاه بهار ادامه پیدا می‌کند (به نقشه شماره ۱ رجوع شود).

شرایط و خصوصیات طبیعی

رشته‌های جنوبی ارتفاعات زاگرس از شمالغربی به جنوبشرقی حد شمالی این منطقه را تشکیل می‌دهند و مانند دیواره‌ای مانع نفوذ رطوبت و ابرهای باران‌زای شمالی به داخل منطقه می‌شود. ارتفاع اراضی این منطقه از شمال به جنوب به تدریج کاسته می‌شود تا به اراضی پست ساحلی منتهی شود.

فاصله ارتفاعات از شمال به جنوب و از شمالغربی به جنوبشرقی به تدریج بیشتر شده و دره‌های وسیع نسبتاً حاصلخیزی مانند نورآباد، شیراز، کازرون، نیریز، مرودشت و جلگه مرکزی فارس و شبانکاره و میناب در آنها شکل گرفته است. در داخل این اراضی و ارتفاعات تعدادی دریاچه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مهارلو، بختگان و پریشان اشاره کرد. سواحل جنوبی ایران دارای تابستانهای بسیار گرم و زمستانهای معتدل است و گاه رطوبت شدید ناشی از وزش بادهای صحرائی که از روی خلیج فارس و دریای عمان به طرف این سواحل می‌وزند، رطوبت دریا را جذب کرده و آب و هوای گرم و مرطوب و طاق‌ت فوسایی را حکمفرما می‌سازد. میزان نزولات جوئی نسبتاً اندک است و از شمالغربی به جنوبشرقی منطقه کمبود بارندگی و آب محسوس‌تر و مؤثرتر می‌باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که با عبور از محدوده اهواز و فارس، رطوبت با توجه به گرمای زیاد منطقه امکانات زیست و حیات را محدود



نقشه شماره ۱
محدوده منطقه
مورد مطالعه

ناحیه فارس نیز مکان‌گزینی شهرها تابعی از امکانات و قابلیت‌های طبیعی و وجود راه‌های ارتباطی است، در سایر نواحی - به غیر از شهرهای نظیر بندرعباس و بندر بوشهر که به علت موقعیت استراتژیکی مورد توجه واقع شده‌اند - به علت شرایط نامساعد طبیعی نظیر کمبود آب، اقلیم گرم و مرطوب در سواحل و گرم و خشک در بخش‌های داخلی موجب شده، که تعداد شهرها کم و فاصله آنها از یکدیگر زیاد باشد. در این بخش از منطقه هر جا که یک‌سری شرایط مساعدی وجود داشته شهرهایی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند که در طول زمان نیز رشدی بطئی داشته‌اند.

تحولات جمعیت شهری

براساس سرشماریهای صورت گرفته از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۰، شش کُل جمعیت ساکن در شهرهای منطقه مورد مطالعه در سال ۱۳۳۵، ۹۲۴،۱۹۹ نفر بوده است که در سال ۱۳۳۵ به ۱،۴۲۴،۰۲۸ نفر، در سال ۱۳۵۵ به ۲،۱۸۹،۹۳۱ نفر، در سال ۱۳۶۵ به ۳،۴۹۹،۸۰۵ نفر و در سال ۱۳۷۰ به ۴،۳۳۸،۲۰۳ نفر رسیده است.

ساخته و انبساط مجتمع‌های زیستی را به نقطه‌های کوچکی از طبیعت که در فواصل دور از یکدیگر قرار گرفته‌اند، تثبیت می‌کند.

مکان‌گزینی جغرافیایی شهرها

با توجه به نحوه مکان‌گزینی شهرهای سواحل جنوب ایران نقش بارز شرایط و عوامل طبیعی رادرمکان‌گزینی شهرها اثبات می‌کند. پایین بودن نزولات جوئی، بالا بودن درجه حرارت و تغییرات شدید آن، کمبود منابع آب شیرین - خصوصاً در نواحی جنوبی و جنوبشرقی منطقه - وسعت و جهت گیری ارتفاعات و پراکندگی و نقش آنها در تقسیم سرزمین، وفور یا کمبود منابع و ذخایر زیر زمینی نظیر نفت و گاز از مهمترین عوامل تعیین کننده در پراکندگی و مکان‌گزینی شهرهای این منطقه می‌باشند، و تحت تأثیر همین عوامل یک نوع بی‌نظمی در پراکنش شهرها را در سطح منطقه می‌بینیم.

مکان‌گزینی شهرها در بخش خوزستان به واسطه شرایط طبیعی مساعد اقم از آب و خاک فراوان و حاصلخیز و وجود منابع غنی نفت و گاز می‌باشد. در



که در سال ۱۳۷۰ این تغییرات تکمیل می‌شود و آن پیشی گرفتن تعداد شهرهای واقع شده در طبقه ۱۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ نفر به تعداد شهرهای واقع شده در طبقه ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد. و همچنین به وجود آمدن دوشهر پرجمعیت در گروه ۵۰۰۰۰۰۰ نفر تا یک ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد.

همچنانکه قبلاً اشاره شد کُل جمعیت شهری منطقه در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۳۵ بیش از ۴/۵ برابر افزایش پیدا کرده و مطالعه میزان برخورداری شهرهای بزرگ، میانی و کوچک از این ازدیاد جمعیت در طول این دوره تا حد زیادی تفاوت مراتب رشد و توسعه اقتصادی آنها را برملا می‌سازد به طوری که بیش از نیمی از این افزایش جمعیت متعلق به شش شهر بزرگ بیش از صد هزار نفر جمعیت بوده است^۱. معنی چنین رویدادی این است که تلاشها و اقدامات سازندگی کمتر معطوف به نقاط شهری کوچک و میانی بوده است، در صورتی که اگر اینطور می‌شد بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی آنها نه تنها باعث کاهش تمرکز گرای بی‌رویه جمعیت می‌شد بلکه می‌توانست بانی رشد و توسعه متوازن مناطق مختلف جغرافیایی و نیل به الگوی استقرار پهنه‌ای از جمعیت نیز باشد.

الگوی پراکنش و پخشایش جمعیت شهرنشین

بررسی نقشه‌هایی که توزیع فضایی شهرهای منطقه را در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ نشان می‌دهد به همراه جداول تهیه شده مؤید این مطلب است که هر چند تعداد شهرها از ۳۱ شهر به ۸۶ شهر در سال ۱۳۷۰ رسیده است ولی این افزایش از نظر تعداد متعلق به شهرهای ۱۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ نفره از نظر جمعیت متعلق به شهرهای بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر و از نظر محدوده متعلق به نیمه غربی منطقه (غرب نصف‌النهار ۵۴ درجه طول جغرافیایی) می‌باشد. بنابراین با واقع شدن ۴ شهر از ۶ شهر بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر منطقه در نیمه غربی آن، به وضوح می‌توان به عدم تعادلهای به وجود آمده در این زمینه پی برد.

به طور کلی می‌توان گفت که با اختصاص یافتن حدود ۶۰ درصد از کل افزایش جمعیت دهه‌های اخیر منطقه به جامعه شهری، متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت شهری به بیش از ۴ درصد رسیده منتها پیامدهای اقتصادی - اجتماعی این تحولات سریع و شتابان جمعیت، بیشتر معطوف به کانونهای بزرگ شهری و نقاطی شده که عهده‌دار نقش مرکزیت اداری - سیاسی بوده‌اند (نظیر شیراز، بوشهر، اهواز، بندرعباس) نه شهرهای کوچک و یا میانی که رشد و توسعه بنیانهای معیشتی و ایجاد زمینه‌های مؤثر جمعیت پذیری آنها از لحاظ الگوی آمایشی، توسعه متوازن و نیل به تعادل، حائز اهمیت استراتژیک است. پس درمی‌یابیم که تمرکز گرای جمعیت شهری بیش از آنکه معلول امکانات طبیعی تولیدیشان باشد محصول کارکردهای ناهماهنگ اقتصادی - اجتماعی است که به بسط بیش از حد ظرفیتهای معیشتی یک یا چند نقطه خاص می‌انجامد.

بر روی هم، با توجه به مطالبی که به طور اجمال بیان شد چنین به نظر می‌رسد که در کوتاه مدت امکان دستیابی به یک الگوی متوازن و متعادل پراکنش جمعیت در منطقه ممکن نیست، البته علاوه بر حراکمیت

به عبارتی واضح‌تر از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵، ۴/۴ درصد و از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۵، ۴/۲ درصد و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵، ۵ درصد و از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۰، ۴/۴ درصد به جمعیت شهرنشین منطقه افزوده شده است که بیشترین افزایش در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ صورت گرفته است. در این فاصله هر چند در بخش غربی منطقه وجود جنگ تحمیلی موجب رکود نسبی در افزایش جمعیت شهرنشین شد ولی در بخشهای شرقی یعنی در استانهای سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر و کرمان بالا بودن رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت افغانها و روستائیان به شهرهای این بخش ازمنطقه، اثرات این کاهش در جمعیت شهرنشین بخش غربی (خوزستان) را کاملاً خنثی نمود.

به طوری که در سال ۱۳۵۵ درصد جمعیت شهرنشین در استانهای سیستان و بلوچستان ۲۴/۵ درصد، هرمزگان ۲۷ درصد و بوشهر ۳۴ درصد بوده است. در صورتی که در سال ۱۳۶۵ نسبت جمعیت شهرنشین این استانها به ترتیب به ۴۱ درصد، ۴۰ درصد و ۵۰ درصد رسیده است یعنی کمی کمتر از دو برابر به جمعیت شهرنشین این استانها افزوده شد.

جدول (۱): جمعیت شهری منطقه مورد مطالعه از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۰ ه ش

سال	تعداد نقاط شهری	کل جمعیت نقاط شهری
۱۳۳۵	۳۱	۹۲۴۱۹۹
۱۳۴۵	۴۶	۱۴۲۴۰۳۸
۱۳۵۵	۵۷	۲۱۸۹۹۳۱
۱۳۶۵	۷۵	۳۴۹۹۸۰۵
۱۳۷۰	۸۶	۴۳۳۸۲۰۳

توزیع فضایی جمعیت در شهرهای منطقه در رابطه با فرآیندهای شهرنشینی و مهاجرتی در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ ه ش

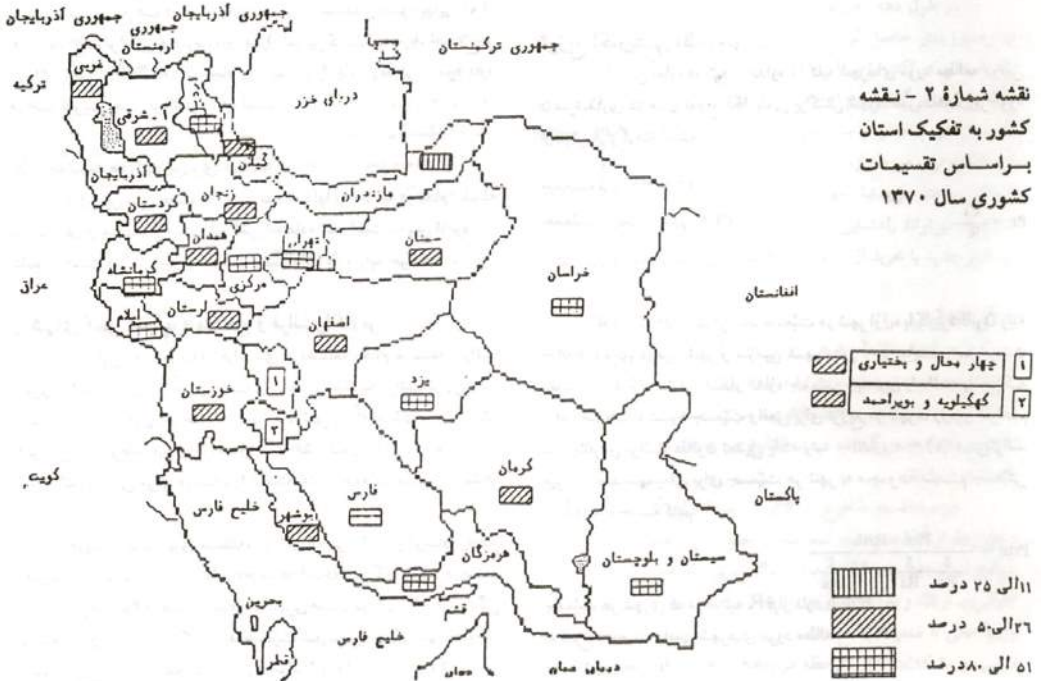
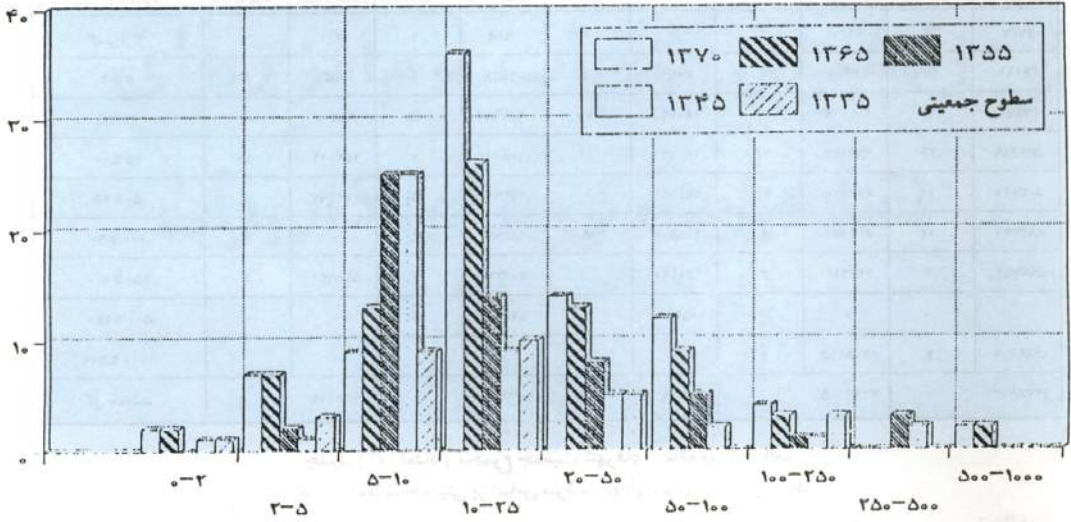
با توجه به جدول ۲ مشخص می‌شود که در سال ۱۳۳۵ در سراسر منطقه فقط ۳۱ شهر وجود داشته است که بیشتر شهرها یعنی ۱۰ شهر در طبقه جمعیتی ۱۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ نفر قرار داشتند و شهرهای ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر نیز ۹ شهر بوده است. در این دوره پرجمعیت‌ترین شهر منطقه آبادان با ۲۲۶۰۰۸۳ نفر جمعیت می‌باشد.

در سال ۱۳۴۵ تعداد شهرهای ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر به ۲۵ شهر رسیده است ولی این روند صعودی به تدریج تضعیف شده و در سال ۱۳۶۵ به ۱۳ شهر رسیده است بنابراین تا سال ۱۳۶۵ از نظر تعداد شهرهای ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر بیشترین تعداد را دانشندولی بیشترین جمعیت در شهرهای گروه ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰۰ و ۲۵۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰ نفر متمرکز بود. (تعداد شهرهای واقع شده در این طبقه در سال ۱۳۴۵ فقط ۳ شهر و در سال ۱۳۵۵، ۴ شهر بوده است.

از سال ۱۳۶۵ یکسری تغییرات معنی‌داری در منحنی پدید آمده

فراوانی

نمودار شماره ۱ - سطح بندی شهرهای منطقه مورد مطالعه از نظر جمعیتی سالهای ۱۳۷۰-۱۳۳۵





۱۳۷۰		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		۱۳۳۵		طبقات جمعیتی شهرها به هزاره
مجموع جمعیت	تعداد شهرها	مجموع جمعیت	تعداد شهرها	مجموع جمعیت	تعداد شهرها	مجموع جمعیت	تعداد شهرها	مجموع جمعیت	تعداد شهرها	
۲۷۶۷	۲	۱۹۶۰	۲	-	-	۹۸۸	۱	۱۸۰۰	۱	کمتر از ۲
۲۶۱۹۱	۷	۲۲۳۰۱	۷	۷۰۷۹	۲	۲۸۲۸	۱	۱۲۵۵۰	۳	۵ تا ۲
۶۲۹۷۹	۹	۱۰۷۰۱۳	۱۳	۱۸۰۷۴۵	۲۵	۱۶۷۹۷۲	۲۵	۶۱۸۰۰	۹	۱۰ تا ۵
۵۵۶۶۸۹	۳۶	۳۸۶۱۳۷	۲۶	۱۹۰۷۲۹	۱۴	۱۶۸۴۱۹	۹	۱۵۳۰۱۲	۱۰	۲۵ تا ۱۰
۵۰۷۶۶۰	۱۴	۴۶۲۸۲۵	۱۳	۲۸۶۵۵۹	۸	۱۷۷۹۹۳	۵	۱۷۸۱۹۷	۵	۵۰ تا ۲۵
۸۸۳۳۹۲	۱۲	۶۶۶۲۵۸	۹	۲۷۸۵۰۲	۵	۱۵۳۰۲۲	۲	-	-	۱۰۰ تا ۵۰
۵۹۷۷۵۲	۴	۲۲۷۲۱۶	۳	۱۴۰۲۹۰	۱	۲۰۶۳۷۵	۱	۵۱۶۸۴۰	۳	۲۵۰ تا ۱۰۰
-	-	-	-	۱۰۵۲۲۸۰	۳	۵۲۲۸۲۷	۲	-	-	۵۰۰ تا ۲۵۰
۱۶۸۹۷۷۰	۲	۱۲۲۸۱۱۵	۲	-	-	-	-	-	-	۱۰۰۰ تا ۵۰۰
۲۳۳۸۲۰۳		۳۲۹۹۸۰۵		۲۱۸۹۹۳۱		۱۴۲۴۰۳۸		۹۲۴۱۹۹		کل جمعیت

جدول (۲): تعداد و مجموع جمعیت شهرهای منطقه مورد مطالعه برحسب طبقات جمعیتی بر اساس سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن

استانها نیز در حد فاصل این دو قطب قرار می‌گیرند.

توزیع لگاریتمی نظام شهری

بر اساس آمار، «مرتب - اندازه»^۲ کلیه شهرهای مورد مطالعه در طی ۵ سرشماری در مدل توزیع لگاریتمی پراکنش شهرها طبق فاعده زیر مورد آزمایش قرار گرفته است.

$$Pr = \frac{P_i}{R}$$

جمعیت شهر r ام P_r

جمعیت بزرگترین شهر P_1

مرتبه شهر در مجموعه شهرها R

اغلب به دلیل تمرکز زیاد جمعیت در شهر اول، با کاربرد قانون رتبه - اندازه، برای دومین شهر و سومین شهر والی آخر بایستی به نسبت مقایسه‌ای با اولین شهر، انتظار اندازه جمعیتی زیادتری را داشته باشیم که در این صورت با کمبود جمعیت واقعی برای توزیع در شهرها روبرو خواهیم شد. بنابراین بر طبق «قانون تعدیل یافته رتبه - اندازه»^۳ (۱)؛ می‌توانیم میزان درصد سهمیه‌ای برای جمعیت هر شهر به مجموعه سیستم جمعیتی آن شهرها محاسبه کنیم.

$$Pr_{th} = \frac{P_i \cdot n - R \cdot r_{th}}{R_1 + R_2 + \dots + R_n}$$

جمعیت هر شهری که در مرتبه R قرار دارد Pr_{th}

مجموع جمعیت واقعی شهرهای مورد مطالعه $P_i \cdot n$

مرتبه شهر r R

کارکردهای ناهم‌انگ اقتصادی - اجتماعی، شرایط اقلیمی و به‌خصوص کمبود شدید منابع آب در قسمت‌های وسیعی از منطقه و دشواریهایی که از نقطه نظر تکنولوژیکی و سرمایه‌ای فراراه شیرین کردن آب دریا، اصلاح و عمران اراضی و انتقال آب و ایجاد و نگهداری راههای ارتباطی وجود دارد موجب تقویت چنین برداشتی شده است.

نظام سلسله مراتب شهری منطقه

در این بررسی جهت شناخت عدم تعادلها و خلاءها در نظام سلسله مراتب شهری منطقه، از سه روش کمی استفاده شده است که پس از بررسی نتایج به دست آمده از این سه روش، پیشنهادات لازم ارائه خواهد شد.

روشهای کمی فیلپ = پنشمل و فرانسوا کاریر

نظر این دو جغرافیدان فرانسوی در مطالعه نظام سلسله مراتب شهری بیشتر یک روش آماری است و در تعیین سلسله مراتب شهری بر ارزیابی وزن جغرافیایی پرجمعیت‌ترین مادرشهر و منطقه شهری هر استان تأکید می‌کنند. بر طبق این روش جدول ۳ و نقشه شماره ۲ تهیه شده است که نسبت شهر نشینی مرکز هراستان را نسبت به کل جمعیت شهری آن نشان می‌دهد.

در بین استانهای منطقه، دو استان هرمزگان و کرمان وضع متفاوت تری نسبت به بقیه استانها دارند، در استان هرمزگان ۶۵/۴ درصد و در استان کرمان ۳۷ درصد از جمعیت شهری استان در شهر اول آن زندگی می‌کنند که اولی نشانه تمرکز شدید جمعیت شهرنشین در یک شهر و دومی گویای توزیع متعادل جمعیت شهری در سایر شهرهای استان می‌باشد. سایر



استفاده قرار گرفته است.

جدول (۳): میزان اختصاص درصد جمعیت شهرنشین هر استان به مرکز آن

$$q = \frac{\log R1 - \log r}{\log pr}$$

در این فرمول R مساوی مرتبه شهر، P برابر جمعیت نخستین شهر منطقه، r مساوی جمعیت شهرهای دیگر و Q مساوی شیب خط مرتبه و اندازه می‌باشد. در حالت با قاعدگی و تناسب کامل سلسله مراتب شهری که نسبت رده - اندازه کاملاً متعادل است، Q برابر با یک می‌باشد. براساس محاسبات صورت گرفته حداقل، حداکثر و میانگین شیب خط برای سالهای مختلف سرشماری طبق جدول ۴ به دست آمده است.

جدول (۴) میزان شیب خط به دست آمده در طول دوره بررسی برای شهرهای سواحل جنوب ایران

شیب خط / سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰
حداکثر	۱/۱۹	۱/۲۶	۱/۱۲	۱/۲۲	۱/۳۵
حداقل	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۷
میانگین	۰/۹۹	۰/۹۹	۱	۱/۰۴	۱/۰۲

نمودارهای شماره‌های ۲ تا ۶ نشان‌دهنده رابطه بین مرتبه و جمعیت شهرهای منطقه مورد مطالعه در طول سرشماریهای سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ می‌باشد.

● سال ۱۳۳۵: در این سال تعداد شهرها به ۳۱ شهر و کل جمعیت آنها ۹۲۴،۱۹۹ نفر بوده است. در این سال آبادان با ۲۲۶،۰۸۳ نفر جمعیت به عنوان اولین شهر پرجمعیت منطقه با شیراز به عنوان دومین شهر پرجمعیت منطقه ۵۵،۴۲۴ نفر اختلاف دارد.

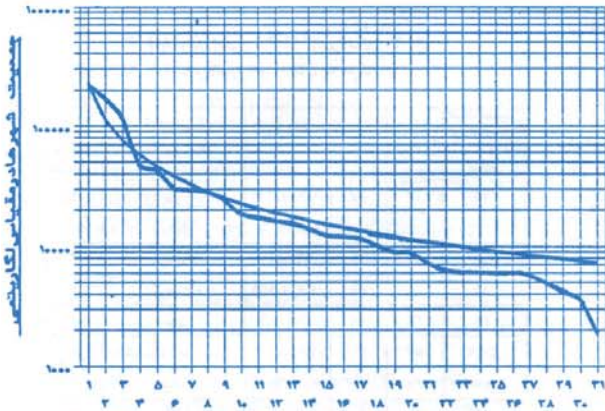
به غیر از شهرهای ردیفهای ۴، ۷ و ۹ که در مجموعه شهرهای منطقه از نظر جمعیتی دارای تعادل هستند، در بقیه طبقات - خصوصاً هر چه به طرف رده های پایین منحنی یعنی شهرهای کم جمعیت پیش می‌رویم - شکاف بین منحنی وضع موجود و منحنیهای مربوط به قانون «رتبه - اندازه» و «تعدیل رتبه - اندازه» بیشتر می‌شود به طوری که میزان شیب خط در انتهای جدول به حدود ۱/۱۹ می‌رسد (به نمودار شماره ۲ رجوع شود).

● سال ۱۳۴۵: در این سال تعداد شهرها به ۴۶ شهر و جمعیت آنها به ۱،۴۲۴،۰۳۸ نفر بالغ می‌شود و سه شهر آبادان، شیراز و اهواز با جمعیتی بیش از ۲۰۰،۰۰۰ نفر، فاصله قابل توجهی را با شهر خرمشهر که در ردیف چهارم و دارای ۸۸،۵۳۶ نفر جمعیت می‌باشد نشان می‌دهند. براساس نمودار هرچندکه شهرهای طبقه ۶ تا ۱۸ با منحنی قانون «رتبه - اندازه» تعادل نسبی را نشان می‌دهند ولی به طور کلی عدم تعادل منحنی وضع موجود با منحنی مربوط به مدل تعدیل یافته «رتبه - اندازه» در تمام سطوح خصوصاً سطوح پایین به خوبی مشهود است، حداکثر شیب خط

ردیف	نام استان	جمعیت	درصد شهرنشین	درصد روستایی	نسبت جمعیت مرکز استان به کل جمعیت شهرنشین استان
۱	تهران	۹،۹۸۲،۳۰۹	۸۷	۱۳	۷۵
۲	اردبیل	۴۱۲،۶۲۰			۶۸/۳
۳	هرمزگان	۹۲۲،۲۳۳	۲۱	۵۹	۶۵/۲
۴	کرمانشاه	۱،۶۲۲،۱۵۹	۵۹	۴۱	۶۵
۵	یزد	۶۹۱،۱۱۹	۶۸	۳۲	۵۹
۶	سیستان و بلوچستان	۱،۴۵۵،۱۰۲	۲۳	۵۷	۵۷/۲
۷	خراسان	۶،۰۱۳،۲۰۰	۵۱	۴۹	۵۷
۸	مرکزی	۱،۰۱۸۲،۶۱۱	۵۰	۵۰	۵۶
۹	ایلام	۴۴۰،۶۹۳	۴۸	۵۲	۵۵
۱۰	فارس	۳،۵۲۳،۸۲۸	۵۳	۲۷	۵۱
۱۱	همدان	۱،۶۵۱،۳۳۰	۴۲	۵۸	۵۰
۱۲	آذربایجان شرقی	۴،۹۲۰،۲۳۳	۲۲	۵۸	۲۷
۱۳	اصفهان	۳،۶۸۲،۲۲۴	۶۷	۳۳	۲۶
۱۴	کردستان	۱،۲۳۳،۴۸۰	۲۷	۵۳	۴۲
۱۵	گیلان	۲،۰۲۰،۴۰۷	۴۰	۶۰	۳۹
۱۶	خوزستان	۳،۱۷۵،۵۵۲	۶۱	۳۹	۳۸
۱۷	بوتهر	۶۹۴،۲۵۲	۵۱	۴۹	۳۷/۵
۱۸	کرمان	۱،۸۶۲،۵۲۴	۴۶	۵۴	۳۷
۱۹	آذربایجان غربی	۲،۲۸۲،۲۰۸	۲۷	۵۳	۳۳/۵
۲۰	لرستان	۱،۵۰۱،۷۷۸	۵۱	۴۹	۳۳
۲۱	چهارمحال و بختیاری	۷۷۷،۲۹۷	۳۷	۶۳	۳۲/۵
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۴۹۶،۷۳۹	۳۰	۷۰	۳۲
۲۳	زنجان	۱،۷۷۶،۱۳۳	۲۶	۵۴	۳۱
۲۴	سنتان	۴۵۸،۱۲۵	۶۲	۳۸	۲۷
۲۵	مازندران	۳،۷۹۳،۱۴۹	۴۱	۵۹	۱۱

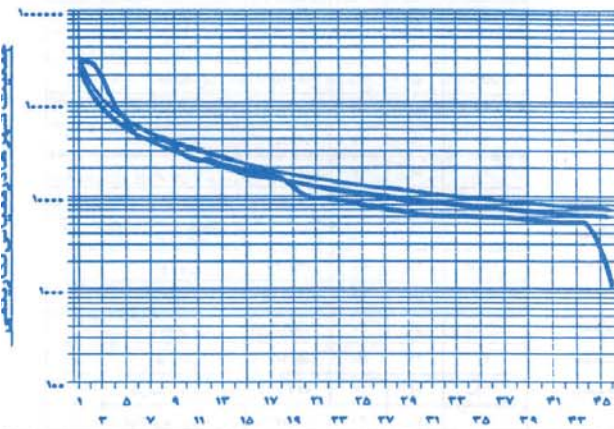
مجموعه نسبتهای مرتبه‌ای تمام شهرهای مورد مطالعه $\frac{1}{R1} + \frac{1}{R2} + \dots + \frac{1}{Rn}$ براساس محاسبات صورت گرفته مجموع نسبتهای مرتبه‌ای تمام شهرهای مورد مطالعه برای سالهای مختلف به شرح زیر به دست آمده است.

مجموع نسبتهای مرتبه‌ای تمام ۳۱ شهر در سال ۱۳۳۵ ۴/۰۲۷
 مجموع نسبتهای مرتبه‌ای تمام ۴۶ شهر در سال ۱۳۴۵ ۴/۴۱۷
 مجموع نسبتهای مرتبه‌ای تمام ۵۷ شهر در سال ۱۳۵۵ ۴/۶۴۶
 مجموع نسبتهای مرتبه‌ای تمام ۷۵ شهر در سال ۱۳۶۵ ۴/۹۰۱
 مجموع نسبتهای مرتبه‌ای تمام ۸۶ شهر در سال ۱۳۷۰ ۵/۰۳۷
 براساس قاعده بالا جهت محاسبه شیب خط، فرمول زیر مورد



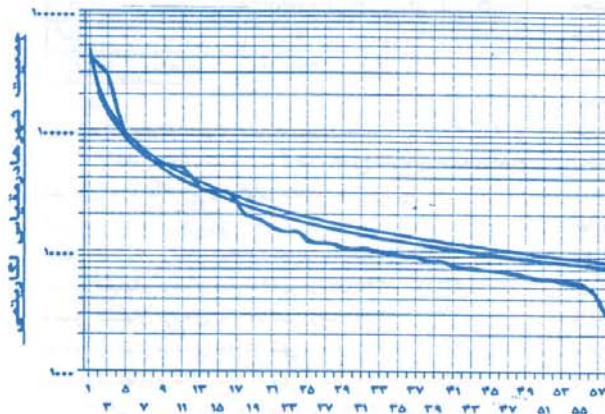
نمودار شماره ۲
نمایش رابطه بین مرتبه و جمعیت
شهرهای سواحل جنوب ایران در
سال ۱۳۳۵

مرتبه شهرها در مقیاس لگاریتمی
——— تعدیل رتبه - اندازه
——— قانون رتبه - اندازه
——— وضع موجود



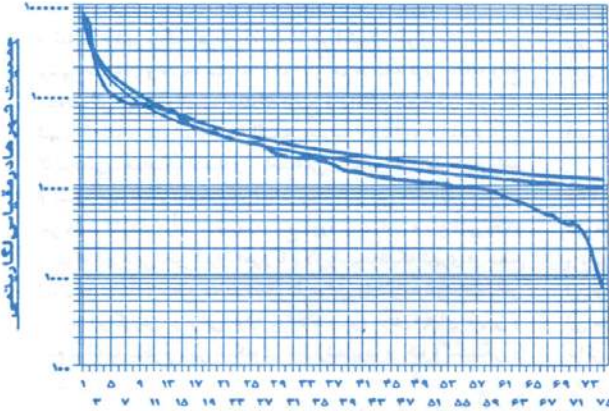
نمودار شماره ۳
نمایش رابطه بین مرتبه و جمعیت
شهرهای سواحل جنوب ایران در
سال ۱۳۴۵

مرتبه شهرها در مقیاس لگاریتمی
——— تعدیل رتبه - اندازه
——— قانون رتبه - اندازه
——— وضع موجود



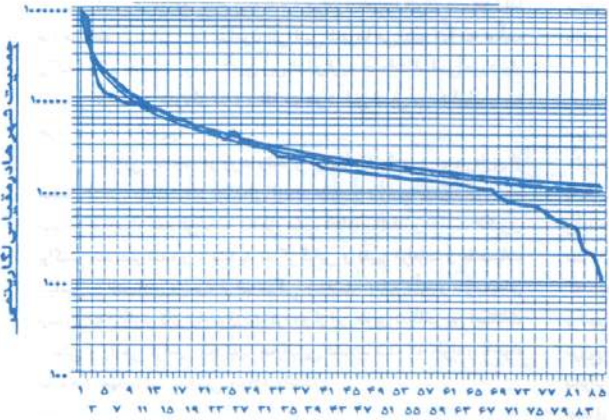
نمودار شماره ۴
نمایش رابطه بین مرتبه و جمعیت
شهرهای سواحل جنوب ایران در
سال ۱۳۵۵

مرتبه شهرها در مقیاس لگاریتمی
——— تعدیل رتبه - اندازه
——— قانون رتبه - اندازه
——— وضع موجود



نمودار شماره ۵
نمایش رابطه بین مرتبه و جمعیت
شهرهای سواحل جنوب ایران در
سال ۱۳۶۵

مرتبه شهرها در مقیاس لگاریتمی
تعدیل رتبه - اندازه
قانون رتبه - اندازه
وضع موجود



نمودار شماره ۶
نمایش رابطه بین مرتبه و جمعیت
شهرهای سواحل جنوب ایران در
سال ۱۳۷۰

مرتبه شهرها در مقیاس لگاریتمی
تعدیل رتبه - اندازه
قانون رتبه - اندازه
وضع موجود

تعداد شهرها از ۵۷ به ۷۵ شهر و در سال ۱۳۷۰ به ۸۶ شهر رسید. مطلب قابل توجه در نمودارهای سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ این است که عدم تعادلها در سطوح میانی از سال ۱۳۶۵ به تدریج شروع به کاهش کرده، در سال ۱۳۷۰ می‌بینیم که منحنیهای مربوط به وضع موجود، قانون «رتبه - اندازه» و تعدیل «رتبه - اندازه» در سطوح میانی تا حدود نسبتاً زیادی بر روی همدیگر منطبق شده‌اند، در مقابل، عدم تعادلها در سطوح پایین و بالای نظام شهری همچنان به قوت خود باقی است به طوری که حداکثر شیب خط به دست آمده برای سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ به ترتیب ۱/۴۲ و ۱/۳۵ می‌باشد (به نمودارهای شماره‌های ۵ و ۶ رجوع شود).

طبق تعاریف به عمل آمده در مورد الگوی «نخست شهری» و الگوی «مرتبه - اندازه»، در طول سالهای مورد مطالعه (۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰) الگوی نخست شهری در منطقه ملاحظه نمی‌گردد ولی باین حال، با اختصاص یافتن حدود نیمی از کل افزایش جمعیت شهری دهه‌های اخیر

محاسبه شده در سطوح پایین ۱/۲۶ می‌باشد (به نمودار شماره ۳ رجوع شود).

● سال ۱۳۵۵: در این سال تعداد شهرها به ۵۷ شهر و جمعیت آنها به ۲,۱۸۹,۹۳۱ نفر می‌رسد، در این سال شیراز با جمعیتی بالغ بر ۲۲۵۸۱۳ نفر رتبه اول و اهواز با جمعیتی بالغ بر ۳۳۴,۳۹۹ رتبه دوم را به دست آورده‌اند.

براساس نمودار شهرهای رده ۵، ۱۳, ۰۷ از نظر جمعیتی بر روی منحنی قانون «رتبه - اندازه» منطبق هستند ولی عدم تعادل در تمام سطوح چه سطوح بالا و چه سطوح پایین به خوبی مشهود است. حداکثر شیب خط به دست آمده در این سال برابر ۱/۱۲ می‌باشد (به نمودار شماره ۴ رجوع شود).

● سالهای ۷۰-۱۳۶۵: روند شهرنشینی و شهرگرایی در منطقه بعد از دهه ۱۳۵۵ یک روند رو به تزاید می‌باشد به طوری که در سال ۱۳۶۵



ولی در بخشهای شرقی یعنی استانهای سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس و کرمان بالا بودن رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت افغانیها و روستاییان به شهرها اثرات این کاهش در جمعیت شهرنشین بخش غربی منطقه (خوزستان) را کاملاً خنثی نمود.

● کل جمعیت شهری منطقه هرچند در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۳۵ بیش از ۴ برابر افزایش پیدا کرد ولی مطالعه میزان برخورداری شهرهای بزرگ، میانی و کوچک از این ازدیاد جمعیت، تفاوت مراتب رشد و توسعه اقتصادی آنها را برملا می‌سازد. اختصاص یافتن بیش از نیمی از این ازدیاد جمعیت شهرنشین به ۶ شهر بزرگ بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر مؤید این مطلب است که تلاشها و اقدامات سازندگی این دوره کمتر معطوف به مراکز شهری متوسط و کوچک بوده است و حال آنکه اگر چنین بود اعتدالی وضعیت اقتصادی و معیشتی آنها نیز تنها باعث کاهش تمرکزگرایی بی‌رویه جمعیت می‌شد بلکه می‌توانست بانی رشد و توسعه متوازن مناطق مختلف جغرافیایی و نیل به الگوی استقرار بهینه‌ای از جمعیت نیز باشد.

● علیرغم تبعیت نظام سلسله مراتب شهری منطقه از قانون «رتبه - اندازه»، عدم تعادلهایی در توزیع و پخشایش متناسب شهرها در پهنه سرزمین و توزیع جمعیت در شهرها مشاهده می‌شود، البته هرچند که تحت تأثیر مقتضیات محیط طبیعی، تا حدودی این قبیل عدم تعادلها منطقی به نظر می‌رسند ولی مطالعات به عمل آمده حاکی از این نکته می‌باشد که پیامدهای اقتصادی - اجتماعی تحولات سریع و شتابان جمعیت از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۷۰ بیشتر معطوف به کانونهای بزرگ شهری و نقاطی شده که عهده‌دار نقش مرکزیت اداری - سیاسی بوده‌اند نظیر شیراز، اهواز، بوشهر و بندرعباس، نه شهرهای کوچک و میانی که رشد و توسعه آنها در توزیع متوازن جمعیت در پهنه سرزمین دارای اهمیت استراتژیک می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که تمرکزگرایی جمعیت شهری منطقه بیش از آنکه معلول امکانات طبیعی تولیدیشان باشد محصول کارکردهای ناهماهنگ اقتصادی - اجتماعی است که به بسط بیش از حد ظرفیتهای معیشتی یک یا چند نقطه خاص منتهی می‌گردد.

بدین ترتیب با توجه به ملاحظات فوق و جهت دستیابی به ایجاد تعادل در نظام شهری منطقه از حیث پراکندگی و حجم و همچنین پیوند دادن شبکه شهری استانهای واقع شده در محدوده منطقه به همدیگر و خروج استانهای نظیر سیستان و بلوچستان و هرمزگان از انزوا و محرومیت و توجه به مناطق روستایی، لازم است که ضمن تهیه طرحهای جامع منطقه‌ای و سپس طرحهای جامع شهرستان^۳، هرگونه تصمیم‌گیری در رابطه با سیاست تعادل بخش نظام شهری منطقه از پایین شروع گردد تا عدم تعادل ناحیه‌ای با پیدایش هسته‌های ثانوی و بالاخره پیدایش یک شبکه شهری ناحیه‌ای روز به روز به حداقل برسد و در داخل یک فضای طبیعی متفاوت نوعی تعادل فضایی به صورت یک سیستم حاصل گردد که در آن هر یک از فضاهای پیرامونی با عملکرد و نقشهای متفاوت به کاهش عدم تعادل ناحیه‌ای کمک می‌نمایند. □

منطقه به ۶ شهر بزرگ بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر (شیراز، اهواز، بندرعباس، بوشهر، سیرجان و مسجد سلیمان) که اکثراً هم در نیمه غربی منطقه واقع شده‌اند، گویای این واقعیت است که توزیع و پراکنش شهرها و جمعیت شهری منطقه - علیرغم وجود الگوی «رتبه - اندازه» - تحت تأثیر کارکردهای ناهماهنگ اقتصادی - اجتماعی و شرایط نامساعد طبیعی اعم از کمبود آب، اقلیم نامناسب و ... در پهنه سرزمین متعادل و متوازن نمی‌باشد. کشیدگی رأس منحنیها در پنج دوره سرشماری مبین این نکته است که شهرهایی نظیر شیراز، اهواز با پلاریزاسیون شبکه شهری در سطح استانی و نهایتاً در سطح منطقه مجموعه عوامل رشد را به خود اختصاص داده‌اند. این گرایش در برخی موارد به لحاظ وجود محدودیتهای طبیعی و عدم توجه به سطوح پایین شبکه، در حال رشد بوده و یکنوع گسستگی را پدید می‌آورد.

در حال حاضر شهرهای کوچک و در مواردی شهرهای متوسط از به زیر پوشش در آوردن تمام پهنه ناحیه پیرامون خود ناتوان هستند، لذا صدها نقطه روستایی رادر پیرامون این قبیل شهرها می‌بینیم که به علت پراکنده و کم جمعیت بودن، تأمین زیربناها و ارایه خدمات اساسی مورد نیاز آنها غیر اقتصادی جلوه‌گر شده و لذا مهاجرت این قبیل روستاییان را به طرف شهرها شاهدیم.

بنابراین چنانچه در روند رشد و توسعه اقتصادی و بهره‌برداری از محیط طبیعی منطقه تغییر عمده‌ای ایجاد نشود و توسعه همچنان جنبه متمرکز به همراه عدم توجه به مناطق عقب افتاده باشد، وخامت الگوی پراکنش شدیدتر شده و با تشدید تمرکزگرایی و تغییر الزامات و مقتضیات سیاسی - اقتصادی منبث از انباشتگی جمعیت، منابع ملی و سرمایه‌ای بیشتری به اینگونه کانونها سوق پیدا کرده و از این طریق شکاف بین امکانات زیستی و رفاهی نواحی مختلف جغرافیایی تشدید شده که خواه و ناخواه پیامدهای مهاجرتی نیز در پی خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

● منابع غنی نفت و گاز، خطوط ارتباطی و عوامل طبیعی از عوامل اصلی مکان‌گزینی شهرهای منطقه می‌باشند به طوری که در خوزستان آب فراوان و خاک حاصلخیز و منابع غنی نفت و گاز، و در فارس امکانات طبیعی و خطوط ارتباطی از علل اصلی مکان‌گزینی شهرها محسوب می‌شوند.

در سایر بخشهای منطقه - به غیر از شهرهایی نظیر بندرعباس و بندر بوشهر که به علت موقعیت استراتژیکی مورد توجه قرار گرفته‌اند - وجود شرایط نامساعد طبیعی نظیر کمبود آب، اقلیم گرم و مرطوب در سواحل و گرم و خشک در بخشهای داخلی باعث شده که تعداد شهرها کم و فاصله آنها از یکدیگر زیاد باشد.

● بالاترین رشد جمعیت شهرنشین منطقه در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ اتفاق افتاده است، در این فاصله هرچند که در بخش غربی منطقه وجود جنگ تحمیلی موجب رکود نسبی در افزایش جمعیت شهرنشین شد

نقشه شماره ۳
نقشه شبکه شهری سواحل جنوب
ایران در سال ۱۳۳۵



نقشه شماره ۴
نقشه شبکه شهری سواحل جنوب
ایران در سال ۱۳۴۵



نقشه شماره ۵
 نقشه شبکه شهری سواحل جنوب
 ایران در سال ۱۳۵۵



نقشه شماره ۶
 نقشه شبکه شهری سواحل جنوب
 ایران در سال ۱۳۶۵



نقشه شماره ۷ نقشه شبکه شهری سواحل جنوب ایران در سال ۱۳۷۰



منابع:

- ۱) بهروز، دکتر فاطمه، بهار سال ۱۳۷۱، تحلیل نظری - تجربی برای متعادل سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران.
- ۲) بهروز، دکتر فاطمه، پاییز سال ۱۳۶۴، تکامل تئوری مکان مرکزی، رشد آموزش جغرافیا، سال اول، شماره ۳، صفحات ۲۳ - ۲۰.
- ۳) سازمان برنامه و بودجه، طرح آمایش استان هرمزگان، سال ۱۳۶۵.
- ۴) سازمان برنامه و بودجه، طرح آمایش استان خوزستان، سال ۱۳۶۵.
- ۵) سازمان برنامه و بودجه، طرح آمایش استان بوشهر، سال ۱۳۶۵.
- ۶) سازمان برنامه و بودجه، طرح آمایش استان فارس، سال ۱۳۶۵.
- ۷) سازمان برنامه و بودجه، طرح آمایش استان سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۶۵.
- ۸) سازمان برنامه و بودجه، سیمای اقتصادی و اجتماعی استانهای فارس، هرمزگان و بوشهر، سال ۱۳۵۵.
- ۹) سازمان برنامه و بودجه، بررسی ایجاد شهرهای جدید در روند شهرنشینی و توزیع جمعیت آبی کشور، سال ۱۳۷۰.
- ۱۰) سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، نظریه پایه توسعه استان هرمزگان، سال ۱۳۶۵.
- ۱۱) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، نقشه‌های توپوگرافی ۱:۵۰۰،۰۰۰ اهواز، بوشهر، آباد، شیراز، داراب، میناب، بندرعباس، چاه بهار، جاسک و ایرانشهر.
- ۱۲) مرکز آمار، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۳۵ کل کشور.
- ۱۳) مرکز آمار، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۳۵ کل کشور.
- ۱۴) مرکز آمار، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۵۵ کل کشور.
- ۱۵) مرکز آمار، آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ کل کشور.
- ۱۶) مرکز آمار، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۰.
- ۱۷) نظری، دکتر علی اصغر، سال ۱۳۶۸، جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات گیانشناسی.
- ۱۸) نظریان، دکتر اصغر، سال ۱۳۷۳، جغرافیای طبیعی شهرهای ایران، جزوه درسی دوره فوق لیسانس.
- ۱۹) نظریان، دکتر اصغر، پاییز سال ۱۳۶۶، دینامیک شهرها نیروی محرکه شهرها

پاورقی:

۱) شیراز، اهواز، بندر عباس، بوشهر، سیرجان و مسجد سلیمان

2) Rank - Size

توضیح: بر طبق مدل فوق اگر عدد حاصل از تقسیم جمعیت شهر اول به جمعیت شهر دوم بیشتر از ۲ بود الگوی نخست شهری و اگر معادل ۲ بود الگوی مرتبه - اندازه، در نظام سلسله مراتب شهری حاکم است. ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر به منابع شماره‌های ۱ و ۱۹ رجوع شود.

۳) طرحهای جامع شهرستان در حال حاضر جایگزین مطالعات حوزه نفوذ طرحهای جامع شهرها شده‌اند. بند از طرحهای آمایش سرزمین، طرحهای منطقه‌ای و ناحیه‌ای و یا به تعاریفی طرح جامع شهرستان جای دارد. وظیفه این طرح ساماندهی به نظام فعلی در لغا به منظور استفاده بهینه از زمین است که از دو قسمت تشکیل شده:

۱) تعیین کاربری زمین در سطح شهرستان؛

۲) ساماندهی به نظام فعلی در لغا.

برای کسب اطلاعات بیشتر (۲۲) =